

فهرست مطالب

.....	مقدمه نویسنده
.....	مقدمه مترجم
.....	پیش‌آزمون
	فصل اول
	زمان‌ها (TENSES)
.....	فُرْم‌های زمان حال (PRESENT TIME FORMS)
.....	فُرْم‌های زمان گذشته (PAST TIME FORMS)
.....	فُرْم‌های زمان آینده (FUTURE TIME FORMS)
	فصل دوم
	حالت مجهول و حالت سببی مجهول
.....	(PASSIVE VOICE AND CAUSATIVE PASSIVE VOICE)
.....	حالت مجهول (THE PASSIVE VOICE)
.....	شکل سببی حالت مجهول (THE CAUSATIVE PASSIVE VOICE)
	فصل سوم
	ساختار سؤالی، ضمایم تأییدی و سؤالات منفی
.....	(FORMATION OF QUESTIONS, TAG ENDINGS, AND NEGATIVE QUESTIONS)
.....	ساختار سؤالی (FORMATION OF QUESTIONS)
.....	ضمایم تأییدی (TAG ENDINGS)
.....	سؤالات منفی (NEGATIVE QUESTIONS)
	فصل چهارم
	نقل قول غیر مستقیم (INDIRECT SPEECH)
.....	افعالی که در نقل قول به کار می‌روند (REPORTING VERBS)
.....	توالی زمان‌ها (SEQUENCE OF TENSES)
.....	فُرْم‌های دیگر نقل قول غیر مستقیم (OTHER INDIRECT SPEECH FORMS)
	فصل پنجم
	حالت شرطی (THE CONDITIONAL FORM)
.....	جمله‌واره‌های شرطی (CONDITIONAL CLAUSES)
	فصل ششم
	مشتقات فعلی (VERBALS)
.....	مصدر (INFINITIVES)
.....	اسم مصدر (GERUNDS)
.....	واژگان فعل (VERB WORDS)
	فصل هفتم
.....	اجزای کلام (PARTS OF SPEECH)

.....	اسم (NOUNS)
.....	فعل (VERBS)
.....	صفت (ADJECTIVES)
.....	قید (ADVERBS)
.....	ضمیر (PRONOUNS)
.....	حروف اضافه (PREPOSITIONS)
	فصل هشتم
.....	ساختار و فرم نوشتاری (WRITING STRUCTURE AND FORM)
.....	مطابقت فعل و فاعل (SUBJECT -VERB AGREEMENT)
.....	مطابقت ضمیر با مرجع ضمیر (PRONOUN-ANTECEDENT AGREEMENT)
.....	انواع جمله و جمله‌واره (TYPES OF CLAUSES AND SENTENCES)
.....	کاربرد حروف اضافه (USING CONJUNCTIONS)
	تعیین دیدگاه: هماهنگی زمان‌ها
.....	(ESTABLISHING A VIEWPOINT: TENSE CONSISTENCY)
.....	کاربرد وجه وصفی و عبارات (USING PARTICIPLES AND PHRASES)
.....	ساختار موازی (PARALLEL STRUCTURE)
.....	قواعد پایه مربوط به بیان نوشتاری (BASIC RULES OF WRITTEN EXPRESSION)
.....	تنوع ادبی در ترتیب جملات (LITERARY VARIATION IN SENTENCE ORDER)
.....	خاتمه (EPILOGUE)
.....	آزمون‌های شبیه‌سازی شده تافل (SIMULATED TOEFL TESTS)
.....	ضمیمه (SUPPLEMENT)
.....	صورت‌های کوتاه شده / اختصارات (CONTRACTIONS)
.....	افعال بی‌قاعده (IRREGULAR VERBS)
	افعال دو قسمتی، اصطلاحات و عبارات
.....	(IDIOMS, TWO-WORD VERBS, AND EXPRESSIONS)
.....	خطاهای رایج در کاربرد کلمات (COMMON ERRORS IN WORD USAGE)

مقدمه نویسنده

کتاب حاضر شامل دوره فشرده دستور زبان و ساختارهای نوشتاری زبان انگلیسی برای دانشجویان سطح متوسط و پیشرفته است. این کتاب به گونه‌ای طراحی شده است که به شکل‌گیری عادت ساختن جملات خوب و مهارت نگارش به زبان انگلیسی، کمک کند و دانشجویان را برای شرکت در کلاس‌های دانشگاهی و بخش «ساختار و بیان نوشتاری» امتحان تافل یا هر آزمون استاندارد دیگری که معلومات انگلیسی دانشجویان را مورد سنجش قرار دهد، آماده سازد.

متن کتاب از ساختارهای دستوری آغاز شده و تا فرم‌های نوشتن جملات خوب، پیش می‌رود. مواردی که در کتاب گنجانده شده‌اند عبارتند از: توضیحات موجز که به راحتی قابل فهم هستند؛ مثال‌های فراوان که به عنوان الگوی نگارش جملات خوب و تقویت‌کننده مهارت نوشتاری می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند؛ تذکرات مؤکد که دانشجویان را از خطاهای معمول بر حذر می‌دارند؛ و مجموعه‌ای از تمرینات که شامل سؤالاتی از نوع سؤالات آزمون تافل می‌شوند به علاوه پنج آزمون شبیه‌سازی شده تافل مربوط به بخش «ساختار و بیان نوشتاری». لازم به ذکر است که سؤالات مربوط به آزمون‌های شبیه‌سازی شده تافل تماماً پیچیده طرح شده‌اند تا دانشجویان را برای آزمون‌های واقعی هرچه بیشتر آماده سازند.

کتاب چکیده دستور زبان انگلیسی به منظور تدریس در کلاس و مطالعه مستقل تهیه شده است و می‌تواند هم در دوره‌های کوتاه مدت و هم بلند مدت مورد استفاده قرار گیرد. لازم است که دانشجویان تمام فصول و بخش ضمیمه کتاب را به دقت مطالعه کنند تا با مطالب مطرح شده به خوبی آشنا شوند. مسلماً هدف نهایی کتاب این است که دانشجویان مطالب آموخته شده را به کار گیرند؛ بدین منظور بهتر است که دانشجویان، جملات مثال را علاوه بر ساختار دستوری، از لحاظ نحوه ساخت، کاربرد واژگان، اصطلاحات و عبارات نیز مورد بررسی قرار دهند. چنانچه در جملات مثال یا تمرین‌ها با کلمات ناآشنا مواجه شدند، لازم است که آن‌ها را در فرهنگ لغت جستجو کنند.

امید است که کتاب چکیده دستور زبان انگلیسی را مانند یک کتاب مرجع نگهداری کرده، به طور مرتب به آن مراجعه کنید و امید است که این کتاب برای دانشجویانی که در پی کاربرد مناسب زبان انگلیسی هستند، همواره مفید باشد.

مقدمه مترجم###

##

مترجم تا حد امکان تلاش کرده است که ترجمه ارائه شده برای جملات مثال و تمرین‌ها به دانشجویان در درک ساختارهای دستوری مطرح شده در کتاب کمک کند. علاوه بر این، سعی وی بر آن بوده است که در ترجمه واژگان، عبارات و اصطلاحات کتاب اصلی تا حد ممکن معادل‌های بیشتری ارائه کند تا چنانچه دانشجویان با موارد یاد شده در جملات دیگری جز جملات کتاب حاضر برخورد کنند، امکان بیشتری برای درک مفهوم آن جملات در اختیار داشته باشند.

در مورد علائم سجاوندی نیز لازم به ذکر است که کلمات یا عباراتی که به روان‌تر شدن ترجمه کمک می‌کنند درون قلاب «[]» آمده‌اند و از خطِ کج «/» برای ارائه معادل یا معادل‌های دیگری استفاده شده است که می‌توان بدون تغییر ساختار ترجمه آن‌ها را به‌کار برد.

اگرچه گستردگی حوزه‌هایی که جملات مثال و تمرین‌های کتاب از میان آن‌ها انتخاب شده‌اند و تنوع واژگان مربوط به آن‌ها، کار ترجمه را گاه با چالش مواجه کرده است، اما این امر بی‌تردید کمک ارزنده‌ای به داوطلبان شرکت در آزمون‌های استاندارد زبان انگلیسی خواهد کرد زیرا آشنایی با این واژگان احتمال موفقیت آنان در پاسخ به سؤالات مربوط به بخش مهارت خوانداری و شنیداری این آزمون‌ها را نیز بالا تر می‌برد.

پیش آزمون

ساختار جملات و بیان نوشتاری

زمان ۲۵ دقیقه

دستورالعمل: در جملات شماره ۱ تا ۱۵، کلمه یا عبارتی که جمله را بهتر کامل می‌کند انتخاب کنید و مانند مثال زیر با مداد دایره‌ای را که با حروف A, B, C, یا D مشخص شده است پررنگ کنید.

Peter's jacket cost _____ Jack's.

(A) (B) (C) (D)

- (A) twice more than
- (B) two times more as
- (C) twice as much as
- (D) twice more as

The correct answer above is (C).

کُت پیتِر دو برابر کُت جک قیمت داشت.

پاسخ صحیح، گزینه (C) است.

1. None of the clocks in the old section of the city work anymore, but they _____ perfectly.

- (A) were used to work
- (B) were used to working
- (C) use to work
- (D) used to work

(A) (B) (C) (D)

هیچ‌یک از ساعت‌ها در بخش قدیمی شهر دیگر کار نمی‌کنند، اما سابقاً خوب کار می‌کردند.

2. Some waterspouts _____ begin over the water and, with great speed, move towards the shore.

- (A) alike some hurricanes
- (B) like some hurricanes
- (C) are like some hurricanes
- (D) which they are like some hurricanes

(A) (B) (C) (D)

بعضی از آب‌فشان‌ها مانند تندبادهای دریایی، از روی [سطح] آب شروع می‌شوند و با سرعت زیاد به طرف ساحل حرکت می‌کنند.

3. In the zoo there was _____.

- (A) a hundred-years-old elephant
- (B) hundred-year-old elephant
- (C) a hundred-years-aged elephant
- (D) a hundred-year-old elephant

(A) (B) (C) (D)

در باغ‌وحش یک فیل صد ساله وجود داشت.

4. The governor has repeatedly stated that, before he leaves office, he _____ balance the budget.

- (A) would like
- (B) had wanted to
- (C) would like to
- (D) likes to

(A) (B) (C) (D)

فرماندار/استاندار بارها اعلام کرده است که قبل از به پایان رسیدن دوره مسئولیتش مایل است بودجه را متوازن کند.

5. Behavioral scientists say that it is essential that an infant _____ loving attention.
(A) be given (A) (B) (C) (D)
(B) is given
(C) should be given
(D) receives

دانشمندان رفتارگرا می‌گویند ضروری است که به کودک توجه محبت‌آمیز نشان داده شود.

6. The microphone went dead while the narrator _____ the cast.
(A) was introduced (A) (B) (C) (D)
(B) was introducing
(C) has been introducing
(D) had introduced

در حالی که گوینده داشت بازیگران را معرفی می‌کرد، میکروفن خاموش شد.

7. _____, the students placed their pencils on their desks and left the room. (A) (B) (C) (D)
(A) Being finished the test
(B) All the test now being over
(C) Before the bell's ringing
(D) Having completed the test

پس از تمام کردن امتحان، دانشجویان مدادهایشان را روی میز گذاشتند و از اتاق خارج شدند.

8. In the morning the streets were flooded. There _____ a cloudburst during the night.
(A) must have been (A) (B) (C) (D)
(B) has been
(C) must be
(D) must to been

صبح، خیابان‌ها را آب باران فرا گرفته بود. باید طی شب رگباری باریده باشد.

9. Although the city is small, its library is as complete _____.
(A) as a large city (A) (B) (C) (D)
(B) like a large city
(C) as that of a large city
(D) like larger cities

اگرچه شهر کوچک است [اما] کتابخانه‌اش به اندازه کتابخانه یک شهر بزرگ کامل است.

10. The transportation director favors repairing existing highway systems _____ new highways.
(A) rather than to build (A) (B) (C) (D)
(B) instead of to build
(C) instead to build
(D) rather than building

مدیر حمل و نقل طرفدار تعمیر شبکه‌های بزرگراه‌های موجود است تا ساختن بزرگراه‌های جدید.

11. Before Matisse, the famous French artist, _____ his own style of painting, he had painted in the classical style.
(A) developed (A) (B) (C) (D)
(B) had developed
(C) was develop
(D) will have developed

قبل از آن‌که [هانری] ماتیس، نقاش معروف فرانسوی، سبک نقاشی خودش را ایجاد کند، به سبک کلاسیک نقاشی کرده بود.

12. Daniel Webster, _____ for his brilliant oratory, made his most famous speech in the Senate in 1830. (A) who was knowing (B) known (C) was known (D) having known

دانیل وبستر که به خاطر فنِ خطابه درخشانش مشهور است، معروف‌ترین سخنرانی‌اش را در سنه ۱۸۳۰ ایراد کرد.

13. Can you tell me _____? (A) who Babe Ruth was (B) who was Babe Ruth (C) whom Babe Ruth was (D) whom was Babe Ruth

آیا می‌توانی به من بگویی بیب روث چه کسی بود؟

14. North America produces a great deal more wheat _____. (A) as South America (B) than does South America (C) like South America does (D) than like South America

آمریکای شمالی گندم بسیار بیشتری از آمریکای جنوبی تولید می‌کند.

15. Most doctors agree that exercise improves the circulation of the blood; _____ there are doctors who believe that excessive exercise may do some damage. (A) on the contrary (B) otherwise (C) on the other hand (D) therefore

بیشتر پزشکان قبول دارند که ورزش گردش خون را بهبود می‌بخشد؛ از طرف دیگر، پزشکانی هستند که اعتقاد دارند افراط در ورزش ممکن است [به گردش خون] آسیب بزند.

ANSWERS

- | | |
|--|---|
| 1. D Used to and would in past tense | 8. A Past modal |
| 2. B Types of clauses and sentences. Like as preposition | 9. C Demonstrative pronouns; adjectives of equality |
| 3. D Nouns | 10. D Parallel structure |
| 4. C Reporting verbs | 11. A Past tense with past perfect |
| 5. A Proposal clauses | 12. B Using participles and phrases |
| 6. B Past continuous | 13. A Direct speech |
| 7. D Using participles and phrases | 14. B Variation of endings |
| | 15. C Conjunctions |

دستورالعمل: در سؤالات شماره ۱۶ تا ۴۰، کلمه یا عبارت زیرخط کشیده شده‌ای را که در انگلیسی استاندارد پذیرفته نیست انتخاب کنید و مانند مثال زیر دایره‌ای را که با حروف A, B, C یا D مشخص شده است پررنگ کنید.

- Keeping clean is surely one of the most important rule of good hygiene. (A) (B) (C) (D)

The correct answer above is (D). حفظ پاکیزگی یکی از مهم‌ترین قوانین بهداشت خوب است.
پاسخ صحیح، گزینه (D) است.

16. Nobody had the opportunity during the course of several meetings to express their opinion on the subject of increased taxes. A B C D

در طی چندین جلسه، هیچ‌کس فرصت نداشت که نظرش را در مورد موضوع مالیات‌های افزایش‌یافته بیان کند.

17. Some art connoisseurs have remarked that Picasso was more versatile than any artist. A B C D

بعضی افراد خبره در هنر اظهار کرده‌اند که پیکاسو از هر هنرمند دیگری، همه‌فن حریف‌تر بود.

18. Rarely are animals products, such as meat, milk, or eggs, sold directly to the consumer. A B C D

فرآورده‌های حیوانی مانند گوشت، شیر یا تخم مرغ به ندرت مستقیماً به مصرف‌کننده فروخته می‌شوند.

19. The traffic's noise is becoming a problem to the Smiths, accustomed as they are to the peacefulness of country life. A B C D

سرو صدای ترافیک برای خانواده اسمیت که به آرامش زندگی روستایی عادت دارند، دارد تبدیل به مشکل می‌شود.

20. The article stating the state Supreme Court had overturned the decision made by the lower court on the issue of high-rise construction. A B C D

آن مقاله بیان می‌کرد که دادگاه عالی ایالتی، حکم دادگاه بدوی [شهرستان] در مورد موضوع ساختمان‌های مرتفع را نقض کرده است.

21. The winner had indeed demonstrated remarkable reserves of energy, which was apparently available to him at the crucial time. A B C D

برنده واقعاً ذخیره انرژی قابل ملاحظه‌ای را که ظاهراً در آن لحظه سرنوشت‌ساز در دسترسش بود، به نمایش گذاشت.

22. A diamond, used not only in jewelry but in industrial cutting devices, is one of nature's hardest substances. A B C D

الماس که نه تنها در جواهرات بلکه در ابزارهای برش صنعتی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد، یکی از سخت‌ترین مواد [در] طبیعت است.

23. In a corporation it is usual the chairman who presides over meetings. A B C D

در شرکت‌ها، معمولاً رئیس است که نظارت بر/سرپرستی جلسات را بر عهده دارد.

24. Having worked with the elderly for several years, Mrs. Jones knows how important it is to behave kindly and with thoughtfulness towards them. A B C D

خانم جونز که چندین سال با افراد سالمند کار کرده است، می‌داند چقدر رفتار محبت‌آمیز و توأم با ملاحظه نسبت به آنان اهمیت دارد.

25. The photosynthesis process, which plants absorb carbon dioxide and release oxygen, is just the opposite of that of man.

فرایند فتوسنتز که از طریق آن گیاهان دی اکسید کربن را جذب کرده و اکسیژن آزاد می‌کنند، دقیقاً برعکس فرایند [تنفس] انسان است.

26. Although Ponce de Leon didn't find the "Fountain of Youth" which he had sought but he did discover a beautiful area of land named Florida.

اگرچه پونس دلئون «چشمه جوانی» را که به دنبالش بود پیدا نکرد، [اما] سرزمین زیبایی را کشف کرد که فلوریدا نام گرفت.

27. Those who shop regularly for food and clothing generally they are aware of quality and prices.

کسانی که مرتب غذا و لباس می‌خرند، معمولاً از کیفیت و قیمت‌ها آگاه هستند.

28. It was King Louis xiv who had the magnificent Palace of Versailles build; however, the cost was so great that the people of France were angered.

این لویی چهاردهم بود که داد کاخ مجلل ورسای را بسازند؛ گرچه هزینه [ساخت آن] بقدری زیاد بود که مردم فرانسه خشمگین شدند.

29. The people of Pakistan, which land is quite mountainous, are nevertheless primarily farmers.

مردم پاکستان، که سرزمینشان کاملاً کوهستانی است، با این وجود عمدتاً کشاورز هستند.

30. Much of the forest, along with the farmland, near the Mount Saint Helens volcano, appears to be destroyed at the time of the eruption.

ظاهراً بیشتر جنگل، همراه با زمین زراعی نزدیک آتشفشان کوه سنت هلن، در زمان فوران نابود شده‌اند.

31. Of the two suspension bridges in Northern California, the Bay Bridge, not the Golden Gate Bridge, is the largest.

از این دو پل معلق در کالیفرنیا شمالی، بی‌برج بزرگتر است، نه گولدن گیت بریج.

32. The man avoided, by turning suddenly into a driveway, to hit the child riding a tricycle across the street.

مرد با پیچیدن ناگهانی به یک راه ماشین‌رو از برخورد با بچه‌ای که داشت با سه‌چرخه از عرض خیابان می‌گذشت، جلوگیری کرد.

33. The inventor found himself laying awake at night in an effort to understand the error in his design.

مخترع دریافت که در تلاش برای فهمیدن خطا در طرحش، شب خوابش نمی‌برد.

34. Naturally, one would not suspect that people like ourselves would neglect to vote in an election.

A

B

C

D

مسئلاً انسان گمان نمی‌کند، افرادی مثل ما از رأی دادن در انتخابات غفلت کنند.

35. Vaslav Nijinsky was the Polish ballet dancer leaped remarkable heights into the air.

A

B

C

D

واتسلاو نیژینسکی بالرین لهستانی بود که چشمگیرترین پرش‌ها را در هوا داشت.

36. Predicting a shortage of young workers in the near future, unemployment and low wages are expected to decrease, researchers say.

A

B

C

D

پژوهشگران که کمبود کارگران جوان در آینده نزدیک را پیش‌بینی می‌کنند، می‌گویند انتظار می‌رود [نرخ] بیکاری و دستمزد کم، کاهش یابد.

37. The reason that the building industry declined was because the interest rate on loans was so high.

A

B

C

so high.

D

علت این‌که صنعت ساختمان نزول کرد این بود که نرخ بهره وام خیلی بالا بود.

38. Children should be given immunizing injections in order to prevent them catching some of the serious diseases.

A

B

C

of the serious diseases.

D

به کودکان باید واکسن تزریق شود تا از ابتلا آن‌ها به بعضی بیماری‌های خطرناک جلوگیری شود.

39. If Keats didn't die at the young age of 26, he might have become England's greatest lyric poet.

A

B

C

D

poet.

اگر کیتس در ۲۶ سالگی که سن جوانی است نمرده بود ممکن بود بزرگترین شاعر تغزلی انگلستان بشود.

40. We found the food in the Thai restaurant to be quite different than that in the Vietnamese restaurant.

A

B

C

D

restaurant.

غذای رستوران تایلندی را کاملاً متفاوت از غذای رستوران ویتنامی یافتیم.

ANSWERS

16. B his or her. Pronoun-antecedent agreement
17. D any other artist. Comparative of indefinite adjectives and pronouns
18. B animal. Nouns
19. A traffic. Nouns
20. A The article stated. Independent and dependent clauses
21. B were. Subject-verb agreement
22. B but also. Parallel structure
23. B usually. Adverbs
24. D thoughtfully. Parallel structure
25. A by which. Relative pronouns
26. B omit *but*. Conjunctions
27. C omit *they*. Rules of written expression
28. A built. Causative Passive
29. A whose. Relative pronouns
30. D to have been destroyed. Infinitives
31. D larger. Comparative adjectives
32. B hitting. Gerunds

33. C lying. Verbs
34. C us. Nonreflexive pronouns; Reflexive pronouns
35. B who leaped. Relative pronouns
36. C researchers say unemployment (etc.). Using participles
37. B that. *Reason* with “*that* clause” in Common Errors
38. C their. Gerund with possessive
39. A hadn’t died. Conditional, past unreal
40. C from. Prepositions

فصل اول

TENSES

زمان‌ها

PRESENT TIME FORMS

فُرْم‌های زمان حال

Present Tense

زمان حال

زمان حال (ساده) برای بیان حقایق کلی یا واقعیات به کار می‌رود. عمل [مورد بحث] اغلب به‌طور منظم یا بنا بر عادت اتفاق می‌افتد. به‌طور کلی، فعل زمان حال بیانگر معنی تداوم است. (توجه کنید که در مثال‌های زیر فعل با فاعل مطابقت دارد.)

1. The X.X. Company *employs* a staff of forty engineers.
شرکت XX کادری شامل چهل مهندس را استخدام می‌کند.
2. As in other languages, changes in English *continue* to occur.
مانند سایر زبان‌ها، تغییرات در زبان انگلیسی همچنان اتفاق می‌افتد.
3. Four times a year, the department heads *attend* a conference.
سالی چهار مرتبه، مدیران سازمان در کنفرانسی شرکت می‌کنند.
4. Homonyms *sound* alike but they *don't have* the same meaning.
واژه‌های هم‌آوا شبیه هم تلفظ می‌شوند اما هم معنا نیستند.
5. A gothic arch *is* one which *rises* to a point.
تاق گوتیک، تاقی است که به نوک تیز می‌رسد.
6. Kenji and Alain never *miss* their weekly bridge game.
کنجی و آلن هرگز بازی بریج هفتگی‌شان را از دست نمی‌دهند.
7. The Chans *aren't* home today. They're at their studio.
خانواده چانس امروز خانه نیستند. آن‌ها در استودیوی خودشان هستند.
8. I *understand* that there *are* about 16,000 kinds of butterflies in the world.
می‌دانم که بیشتر از ۱۶۰۰۰ نوع پروانه در دنیا وجود دارد.
9. Whenever the science class students *have* time, they *like* to look at the slides of earlier field trips.
هر وقت دانش‌آموزان کلاس علوم فرصت داشته باشند، می‌خواهند اسلایدهای [مربوط به] سفرهای علمی قبلی را تماشا کنند.
10. If (or: when) one travels to other countries, one learns about other cultures. (or: one will learn about other cultures).
اگر (یا: هنگامی که) انسان به کشورهای دیگر سفر کند، به فرهنگ‌های دیگر پی می‌برد (یا: به فرهنگ‌های دیگر پی خواهد برد).

یادداشت: گاهی از هسته فعل + Will برای توصیف نتایج معمول و مورد انتظار استفاده می‌شود. جملات زیر را با هم مقایسه کنید:

When one listens, one learns a lot.

وقتی انسان [به صحبت دیگران] گوش کند، [نکات] زیادی را می‌آموزد.

When one listens, one will learn a lot.

وقتی انسان [به صحبت دیگران] گوش کند، [نکات] زیادی را خواهد آموخت.

از زمان حال ساده همچنین برای بیان دستورات صریح، تقاضا و پیشنهاد استفاده می‌شود.

(You) Open your books and turn to page 81. (شما) کتاب‌هایتان را باز کنید و به صفحه ۸۱ بروید.

Willie, (you) read your essay please. ویلی، لطفاً (تو) مقاله‌ات را بخوان.

(You) Try to swim with your eyes open. (تو) سعی کن با چشمان باز شنا کنی.

Frequency Adverbs With Present Tense

قیود تکرار که با زمان حال به کار می‌روند

بعضی از قیود تکرار عبارتند از:

usually	معمولاً	never	هرگز، هیچ‌وقت
sometimes	گاهی، بعضی اوقات	occasionally	گاه‌گاه، هر چند وقت یکبار
generally	معمولاً	frequently	اغلب
always	همیشه، همواره	seldom	به ندرت، خیلی کم
often	اغلب، بیشتر وقت‌ها	rarely	به ندرت

1. Students *often* have difficulty deciding on a major.

دانشجویان اغلب هنگام انتخاب رشته اصلی مشکل دارند.

2. Many of the club members *are seldom* at the meetings.

بسیاری از اعضای باشگاه به ندرت در جلسات حضور دارند.

3. A shrewd politician *generally* understands psychological distinctions.

سیاستمدار زیرک معمولاً تفاوت‌های روان‌شناختی [افراد] را درک می‌کند.

یادداشت: قیود

never (هرگز، هیچ‌وقت)، seldom (به ندرت، خیلی کم)، rarely (به ندرت)، scarcely (به سختی، بسیار کم)،

hardly (به ندرت)، barely (بسیار کم، به سختی، به زحمت) از لحاظ معنی منفی هستند پس دیگر

نیازی نیست که با آن‌ها فرم منفی به کار ببرید.

(wrong): (He doesn't seldom smile.)

RIGHT: He seldom smiles.

او به ندرت/خیلی کم لبخند می‌زند.

قیود مقدار را با قیود تکرار اشتباه نکنید. قیود تکرار به «چه مقدار/ چقدر» اشاره می‌کنند و بیانگر کافی نبودن یا دشواری هستند. (*scarcely, hardly, barely* که همه معنی شبیه هم دارند). قیود تکرار به «چند وقت یکبار» اشاره می‌کنند (*never, seldom, rarely*).

(wrong): (He scarcely attends class.)

RIGHT: He rarely attends class. او به ندرت در کلاس حاضر می‌شود/ شرکت می‌کند.

RIGHT: Because of his hearing loss, he scarcely hears me when I speak.

به دلیل ناشنوایی‌اش، وقتی حرف می‌زنم به سختی صدای مرا می‌شنود.

جملات زیر نحوه استفاده و محل قیود تکرار را در ساختارهای منفی نشان می‌دهند. دقت کنید که قیود تکرار، البته به استثنای *always*، قبل از شکل مخفف افعال به کار می‌روند.

The history lectures in Room 22 *sometimes aren't* interesting.

درس‌های تاریخ که در کلاس ۲۲ برگزار می‌شود، بعضی اوقات جالب نیستند.

They *generally don't* retire before midnight.

آن‌ها معمولاً قبل از نیمه‌شب به رختخواب نمی‌روند.

He *doesn't always* leave before six o'clock. Sometimes he works until seven o'clock.

او همیشه قبل از ساعت شش [از محل کارش] خارج نمی‌شود. گاهی تا ساعت هفت کار می‌کند.

از این نوع اشتباهات اجتناب کنید:

(wrong): (She complains that he doesn't sometimes listen to her.)

RIGHT: She complains that he *sometimes doesn't* listen to her.

شکایت می‌کند که گاهی به او گوش نمی‌دهد.

(wrong): (Mr. Moto often go on business trips.)

RIGHT: Mr. Moto often *goes* on business trips.

آقای موتو اغلب به سفرهای کاری می‌رود.

(wrong): (Although Rhode Island is the smallest state in the United States, it don't have the fewest number of people.)

RIGHT: Although Rhode Island is the smallest state in the United States, it *doesn't have* the fewest number of people.

اگرچه ایالت ردآیلند کوچکترین ایالت ایالات متحده آمریکا است، کمترین تعداد ساکنان را ندارد.

(wrong): (Kevin is never forgetting to send birthday cards to his friends.)

RIGHT: Kevin *never forgets* to send birthday cards to his friends.

کوین هرگز فراموش نمی‌کند که برای دوستانش کارت تولد بفرستد.

(wrong): (Mrs. Rossi has thirty years.)

RIGHT: Mrs. Rossi *is thirty*. Mrs. Rossi *is thirty years old*. Mrs. Rossi *is thirty years of age*. Mrs. Rossi *is a thirty-year-old* woman.

خانم راسی سی سال دارد. خانم راسی یک زن سی ساله است.

(wrong): (There is still people in California who searches for gold.)

RIGHT: There *are* still people in California who *search* for gold.

هنوز هستند کسانی که در کالیفرنیا به دنبال طلا می‌گردند.

(wrong): (The poor man isn't hardly able to walk.)

RIGHT: The poor man *is hardly* able to walk. مرد بیچاره/ نحیف به سختی قادر به راه رفتن است.